

## وداع ترکیه با رویای الحاق به اروپا؟



الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا بسیار بعید است؛ مردم اروپا رویکرد فرهنگی ترکیه را اروپایی نمی‌دانند و تصمیم‌گیری بر پایه اجماع در اتحادیه اروپا نیز کار را بیش از اندازه برای ترکیه دشوار کرده است.

به گزارش آران نیوز: استعفای ناگهانی احمد داووداوغلو در اوایل ماه جاری بار دیگر گمانه زنی‌ها را در مورد آینده توافقی که بین ترکیه و اتحادیه اروپا در ماه مارس در مورد مهاجران به امضاء رسید، برانگیخته است. این توافق تنها یک بخش از رابطه ترکیه و اتحادیه اروپا است و عملیاتی شدن آن در این چارچوب باید بررسی شود.

آنگلا مرکل تحت فشارهای داخلی در مورد بحران مهاجرت به ازای توافق، مقابل برخی از خواسته‌های رجب طیب اردوغان کوتاه آمد. درخواست کمک ۶ میلیارد دلاری، عضویت ترکیه در منطقه شینگن و بررسی مجدد پرونده پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا از جمله تقاضاهای اردوغان بود.

چشم انداز الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا همچنان دور به نظر می‌رسد و وعده مرکل در این زمینه تنها برای فروختن توافق به اردوغان بوده است. تحولات ترکیه در دوران حکومت اردوغان و عدم محبوبیت این کشور در اروپا نشان می‌دهد که الحاق آن به اتحادیه تا چه اندازه بعید است.

اگرچه ترکیه پیش‌تر و در سال ۱۹۸۷ پیشنهاد داده بود که به سلف اتحادیه، یعنی جامعه اقتصادی اروپا بپیوندد، دو طرف تا پیش از ۲۰۰۵ وارد فرآیند مذاکره در این مورد نشده بودند. متقاضیان پیوستن به اتحادیه اروپا باید با قوانینی که ذیل ۳۵ بخش تدوین شده، خود را تطبیق دهند. این موارد طیف گسترده‌ای از قوانین از آزادی نقل و انتقال کالا تا استقلال قضائی و هنجارهای رقابتی را شامل می‌شود. هر بخش تنها با اجماع تمام اعضای فعلی اتحادیه اروپا باز یا بسته می‌شود. تاکنون، در ۱۵ بخش بررسی الحاق ترکیه آغاز شده و تنها یک بخش بسته شده است (توافق در آن بخش برای الحاق ترکیه صورت گرفته است).

منطق الحاق ترکیه به خوبی مشخص است: الحاق ترکیه می‌تواند یک دموکراسی اسلامی و متحد ناتو را بیشتر و بهتر به غرب پیوند داده و اصلاحات اقتصادی و سیاسی را در این کشور به ارمغان بیاورد. جورج دبلیو بوش و باراک اوباما نیز از عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا حمایت کرده و به این نکته اشاره کرده بودند که عضویت در ناتو و اتحادیه اروپا باید به موازات هم باشد. اما تحولات داخلی ترکیه نتوانسته امید حامیان پیوستن آن به اتحادیه را برآورده کند. چسبیدن اردوغان به قدرت و برنامه‌های وی برای تغییر قانون اساسی و تقویت قدرت رئیس‌جمهور، همراهی با سرکوب مخالفان و رسانه‌ها است. گزارش سال ۲۰۱۵ بنیاد خانه آزادی حاکی از تضعیف آزادی مطبوعات در این کشور بود.

اگرچه روند الحاق در اوایل دهه ۲۰۰۰ با پیشرفت‌هایی همراه بود، اما در دستور کار داخلی اردوغان تاثیر چندانی نداشت. حزب عدالت و توسعه ترکیه با قانون اتحادیه، مبنی بر کاهش نقش ارتش در سیاست مطابقت دارد، اما به جای آنکه یک جامعه مدنی قوی برای نظارت بر حاکمیت تشکیل شود، اردوغان تنها قدرت خود را افزایش داده و سنت سکولاریسم را در این کشور تضعیف کرده است.

بعلاوه ترکیه همچنان از شناسایی جمهوری قبرس، عضو اتحادیه اروپا سر باز می‌زند و قسمت شمالی آن را با ۳۰ هزار سرباز اشغال کرده است.

ترکیه با تخطی از توافق گمرکی خود با اتحادیه اروپا، حاضر به تجارت با قبرس نیست. اتحادیه نیز متقابلاً مذاکرات در مورد الحاق ترکیه را در بخش‌های مهم به حال تعلیق در آورده است.

افزون بر اقتدارگرایی سیاسی برآمده در ترکیه، بسیاری از مردم اروپا جهت‌گیری فرهنگی ترکیه را اروپایی قلمداد نمی‌کنند. تنها ۳ درصد از خاک ترکیه در قاره اروپا است و سرانه تولید ناخالص داخلی آن کمتر از یک سوم متوسط سرانه تولید ناخالص داخلی اروپا است. ترکیه مسلمان، با ۷۵ میلیون جمعیت که همسایه ایران، عراق و سوریه است در صورت پیوستن به اتحادیه اروپا شلوغ‌ترین کشور اتحادیه خواهد بود. نظرسنجی‌ها در اروپا نشان می‌دهد که اکثریت مردم با الحاق ترکیه مخالفند.

واقعیت این است که الحاق ترکیه هرگز محقق نخواهد شد. در هر مرحله، گام بعدی باید با اجماع نظر همه اعضای اتحادیه برداشته شود و حتی احتمال برگزاری همه‌پرسی هم در بعضی از کشورها وجود دارد. رسیدن به چنین اجماعی بسیار غیرمحتمل است. این نکته را باید در نظر داشت که رای دهندگان در هلند حتی اوکراین را که کشوری کاملاً اروپایی است، نپذیرفتند.

با این وجود، مذاکرات با آنکارا ادامه پیدا خواهد کرد، زیرا عمده اعضا انتظار دارند که نظر نهایی را (مبنی بر رد الحاق) آلمان یا فرانسه اعلام کنند و عواقب آن را بپذیرند. در بحبوحه بحران مهاجرت، برخی بر آن شده‌اند که برای حفظ همکاری‌ها، مذاکرات را فعلاً زنده نگاه دارند. اما این روند بیش از آنکه سازنده باشد، مخرب است و اثرات زیان‌بار آن دامنگیر دو طرف می‌شود؛ این روند به هیچ نتیجه مثبتی ختم نمی‌شود و تنها بهانه‌ای به دست پوپولیست‌های ضداتحادیه می‌دهد.